

قتل در قطار سریع السیر شرق

نویسنده:

آگاتا کریستی

ترجمه:

بهرام افراسیابی

تهران-۱۳۸۹

سرشناسه : کریستی، آگاتا (میلی)، ۱۸۹۱-۱۹۷۶ م.
 Christie, Agatha (Miller)
 عنوان و نام پدید آور : قتل در قطار سریع السیر شرق / آگاتا کریستی؛
 مترجم / بهرام افراسیابی
 مشخصات نشر : تهران: مهر قام ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهر : ۳۲۳ ص: ۱۶/۵×۹۰ س م.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۵-۰۴-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "The complete hercule poirot novels" است.
 موضوع : داستان‌های پلیسی انگلیسی - قرن ۲۰ م.
 شناسه افزوده : افراسیابی، بهرام، ۱۳۲۰- مترجم
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۷ ۲۵۵ ق ۲۸۷ ک / pz۲
 رده بندی دیویی : ۸۲۳/۹۱۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۴۳۴۴۳



قتل در قطار سریع السیر شرق
 نویسنده : آگاتا کریستی
 مترجم : بهرام افراسیابی
 لیتوگرافی : باختر
 طراح جلد : جواد آتشبار
 چاپخانه : مهارت

مصصح : داود جنگی داریان
 تایپ و صفحه آرایی : شرکت سپند آسا رایانه (عالیه سلمانی)
 نوبت چاپ : اول ۱۳۸۹
 شمارگان : ۲۲۰۰ نسخه
 قیمت : ۶۰۰۰ تومان
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۵-۰۴-۳
 مرکز بخش : موسسه انتشاراتی نگاه

فهرست

- مختصری درباره این کتاب..... ۷
- بیوگرافی آگاتا کریستی..... ۱۳
- شخصیت‌های داستان..... ۱۹
- فصل اول: مسافری مهم در قطار تاروس اکسپرس..... ۲۱
- فصل دوم: توکاتیلپان هتل..... ۳۷
- فصل سوم: آقای پوارو قضیه را دنبال می‌کند..... ۴۹
- فصل چهارم: فریادی در نیمه شب..... ۶۱
- فصل پنجم: جنایت..... ۶۷
- فصل ششم: یک زن؟..... ۸۶
- فصل هفتم: جسد..... ۹۷
- فصل هشتم: بازپرسی شروع می‌شود..... ۱۱۳
- فصل نهم: گواه و مشاهدات منشی..... ۱۲۰
- فصل دهم: گواهی و شهادت نوکر..... ۱۲۸
- فصل یازدهم: گواهی و شهادت خانم آمریکائی..... ۱۳۶
- فصل دوازدهم: گواهی و شهادت خانم سوئدی..... ۱۴۷
- فصل سیزدهم: گواهی و شهادت پرنسس روسی..... ۱۵۵
- فصل چهاردهم: گواهی و شهادت کنت و کنتس آندرفی..... ۱۶۵
- فصل پانزدهم: کلنل آربوت نت..... ۱۷۳
- فصل شانزدهم: شواهد و گواهی آقای هاردمن..... ۱۸۳
- فصل هفدهم: گواهی و شهادت ایتالیایی..... ۱۹۲

- فصل هجدهم: گواهی و شهادت میس دبنهام..... ۱۹۸
- فصل نوزدهم: شهادت و گواهی کلفت آلمانی..... ۲۰۵
- فصل بیستم: خلاصه‌ای از شهادت و گواهی مسافران..... ۲۱۳
- فصل بیست و یکم: اسلحه به عنوان مدرک..... ۲۲۴
- فصل بیست و دوم: گواهی و مدارک چمدان‌های مسافرین..... ۲۳۲
- فصل بیست و سوم: کدام یک از آنها..... ۲۵۱
- فصل بیست و چهارم: دستمال..... ۲۶۱
- فصل بیست و پنجم: نکات مشخص پیشنهادی..... ۲۶۹
- فصل بیست و ششم: لکه چربی پاسپورت مجارستانی..... ۲۷۴
- فصل بیست و هفتم: اسم اول خانم پرنسس دراگو میروف..... ۲۸۴
- فصل بیست و هشتم: دومین مصاحبه با کلنل آروت نت..... ۲۹۱
- فصل بیست و نهم: هویت خانم مری دبنهام..... ۲۹۶
- فصل سی ام: ارتباطات اعجاز آمیز بعدی..... ۳۰۱
- فصل سی و یکم: پوارو دو راه حل ارائه می‌دهد..... ۳۰۷
- فصل سی و دوم: کارآگاه پوارو سپس ادامه داد..... ۳۲۶

خلاصه‌ای از این داستان

مختصری درباره‌ی این کتاب

قتل در قطار سریع السیر شرق دارای دو عنوان انگلیسی و آمریکائی است.

MURDER THE ORIENT EXPRESS MURDER IN THE CALAIS COACH

خانم آگاتا کریستی، کتاب قتل در قطار سریع السیر شرق را در سال ۱۹۳۴ نوشت.

در سال ۱۹۷۴ کتاب مزبور به صورت فیلمی پر فروش به نمایش درآمد که متأسفانه شخص آگاتا کریستی در هنگام نمایش فیلم، پرده در نقاب خاک داشت و موفق نشد آن را ببیند.

جریان کتاب پیرامون حوادث انتقام جویانه‌ای است علیه رئیس یک باند آدم ربا، که ربایندۀ در یک اقدام وحشیانه دختر سه ساله‌ی یک هنرپیشه‌ی مشهور و محبوب را می‌رباید. ربایندۀ که رانشت یا کاستنی نام داشت از خانواده‌ی آرمسترانگ باج می‌خواهد تا دایزی را آزاد کند، با آن که خواسته‌ی وی برآورده می‌شود، ولی او به جای کودک، جسد وی را تحویل می‌دهد.

در شروع داستان، هرکول پوارو برای انجام ماموریتی به سوریه رفته تا در مورد مشکل بفرنجی که کشور فرانسه با آن دست به گریبان است، فعالیت نماید.

داستان را از زمان بازگشت هرکول پوارو از سوریه به لندن شروع می‌کنیم. او قصد داشت چند شب در استانبول توقف داشته باشد به همین منظور در هتلی اقامت می‌کند، در اولین شب یک تلگراف فوری به دست وی می‌رسد و او را بی درنگ برای یک امر حیاتی به لندن فرا می‌خوانند. پوارو در این فکر بود که چگونه با سرعت به انگلستان برگردد که ناگهان دوست کهن و دیرینه‌ی خویش مسیوام. باک را به طور تصادفی در آن هتل ملاقات می‌کند.

جالب آن که مسیوام. باک سرپرست کل حمل و نقل راه آهن است، او نیز عازم لندن می‌باشد و با توجه به اختیاراتی که در اداره‌ی Compagnie Internationale des Wagons Lit دارد پوارو را از نگرانی نجات می‌دهد و به وی اطمینان می‌دهد یک جایی در نخستین ترن عازم اروپا برایش دست و پا کند. پوارو و ام. باک سرگرم صحت بودند که مامور ترن به آقای ام. باک گفت:

- جای خالی در ترن وجود ندارد. ام. باک سخت متعجب شد!! چون سابقه نداشت که در آن وقت از سال حتی یکی دو کوپه هم اشغال شده باشد، چه برسد به این که تمامی کوپه‌ها پر شده باشند!!!

پوارو با استمداد از رئیس و مسئول راه آهن کوپه‌ای دریافت می‌دارد. مسافری قطار فوق از ملیت‌های مختلف بودند، از جمله خاتم هوبارد (HUBBARD) که از دیدار دخترش در سوریه باز می‌گشت، او یک لحظه مسافری را راحت نمی‌گذاشت و مرتب از دخترش صحبت می‌کرد.

شخصیت مهم دیگری نیز در آن ترن بود که پرنسس دراگو میرو ف نام داشت او زنی ثروتمند بود که در ترن هم مانند درون خانه‌اش دستور می‌داد و از همه چیز ایراد می‌گرفت.

دو تن دیگر نیز در میان مسافری به چشم می‌خوردند، یکی همسر او که یک دیپلمات مجارستانی بود و دیگری خانم هلیگارد اشمیت مستخدمه‌ی او، که ترکیبی بسیار ناهمگون را در زیر سقف ترن تشکیل می‌دادند. و اگر کنت و کنتس را با دوشیزه گرتا اولسون سوئدی در یک جا نجسم کنیم تقریباً از هر چمن گلی و از هر کشوری عضوی را می‌بینیم.

به این جمع رنگ و وارنگ مستر رانشت، بد رنگ و زشت را نیز باید بیفزاییم. وی به همراه منشی، و نوکرش سرگرم سفر دور دنیا بود. آقای هکتور آقای مک کوین، که منشی، ماشین حساب و تصمیم گیرنده‌ی کارهای او می‌باشد نیز همراه او بود. زیرا آقای رانشت به جز زبان انگلیسی، هیچ زبان دیگری را نمی‌دانست.

مسافر دیگر، خانم مری دبنهام (MSS MARY Debenham) سرپرست کودکان می‌باشد. او نیز از بغداد عازم انگلستان است. دوشیزه گرتا اولسون دختر سوئدی که او هم به عنوان پرستار در خدمت کلیسا است، یک لحظه از خانم دبنهام دور نمی‌شود.

کلنل آربوتنت یکی دیگر از مسافران است. او فردی است نظامی و منضبط که در حال بازگشت از هندوستان است. این نظامی انگلیسی می‌خواهد مرخصی خود را در لندن بگذراند.

مسافر دیگر مستر هاردمن است او نیز که یک واسطه‌ی وسایل ماشین تحریر است بیشتر از ایده‌هایش سخن می‌راند و با آنتونیو

فاسکاریلی دو رگه‌ی آمریکائی-ایتالیایی در مورد تجارت مشغول مذاکره است.

در دومین شب، در خارج از استانبول آقای رانشت به قتل می‌رسد، قتل با دوازده ضربه‌ی کاردی که به بدن وارد شده بود تشنج شدیدی را در مسافران ایجاد می‌کند ترن نیز به علت سنگینی برف از حرکت باز می‌ماند.

با توجه به این که هیچ نشان‌های از فرار قاتل روی برف‌ها به چشم نمی‌خورد آقای ام. باک شکی ندارد که یکی از مسافرین قاتل است که در میان جمع به سر می‌برد. آقا ام. باک از دوست دیرینه‌ی آقای پوارو درخواست می‌کند به حل معما پردازد تا بلکه پلیس یوگسلاوی سرسر برسد...

هیچ شکی نیست که قاتل ابدآ به این فکر نبوده که ممکن است قطار در برف گیر کند و هم او و هم ترن به بن بست برسند، به طوری که مدتی پوارو نیز در حل معما به بن بست رسیده بود.

به زودی هویت آقای رانشت معلوم می‌شود و این خود سرنخ و راهنمای خوبی است برای پوارو جهت نزدیک شدن به حل معما، اما مسئله آن چنان بغرنج است که آقای ام. باک نیز از رسیدن به حل معما دلسرد می‌شود.

برای آنان که فیلم قتل در قطار سریع السیر را مشاهده کرده‌اند بی‌مناسبت نیست که نام هنریشگان اصلی آن فیلم را در اینجا منعکس نماییم.

ALBERT FINNEY	پوارو
MARTIN BALSAM	ام. باک
LEAN PIERRE CASSEL	پیر میشل
LAUREN BACALL	خانم هوپارد
INGRID BERGMAN	گرنا اولسون
WENDY HILLER	پرنس دارگو میروف
RACHEL ROBERTS	هیلگارد اشیت
VANESSA REDGRAVE	مری دبنهام
SEAN CONNERY	کلنل آربوت نت
JACQUELLINE BISSET	کتس آندرنی
MICHAEL YORK	کنت آندرنی
SIR JOHN GIELGUD	نوکراشت
ANTHONY PERKINS	هکتور مک کوپین
COLIN BLAKEY	سایروس هاردمن
DENIS QUILLEY	فوسکاریلی